

# روئین تنی و پوشاک مقدس

● دارا پریش روی



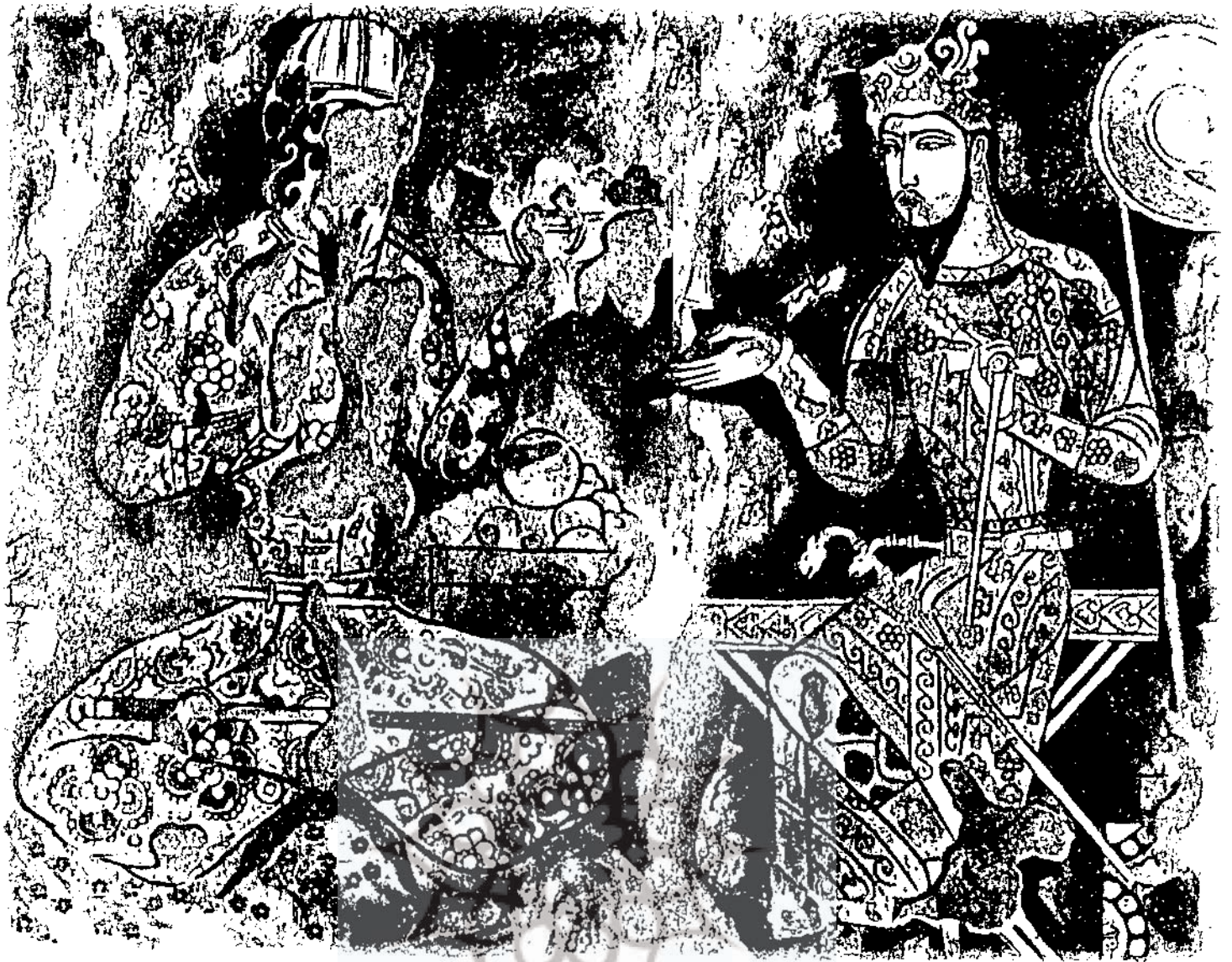
دست می‌آید که قهرمان ملی یا فرهنگی یک قوم یا ملت از سوی مردان دینی و مقدس یاری می‌شود. در داستان‌های عامیانه ایران این مضمون را در نزد چند تن مشاهده می‌نماییم. در قصه‌های مردمی، رستم کمربسته امام علی (ع) است و از این روی بر دشمنان چیره آمده و شکست‌ناپذیر می‌گردد. امام علی کمربندی را به کمر رستم بسته و از آن پس وی نیرویی شگفت‌آور می‌یابد. پوریای ولی نیز در افسانه‌های مردمی داستانی از این گونه دارد. امام علی بر دور کمر او کمربندی می‌بندد و از این روی وی کمربسته امام علی شده و شکست‌ناپذیر می‌شود. کوراغلو و شاه عباس نیز در افسانه‌های آذری و گیلکی حکایتی این گونه دارند. در افسانه‌های مردمی خلصت یاد شده از آن روی به قهرمانان فرهنگی یا قومی بخشیده می‌شود که آنان از یکسوی تصویر آرزوهای توده و از سوی دیگر انسجام بخش هویت قومی، دینی یا ملی می‌باشند. نقش کمربند مقدس را در زندگی درویش یا منسوبان برخی از ادیان چون کیش زرتشتی و ارامنه باز می‌یابیم. شال سبزی که درویش علوی بر میان می‌بندند و نشانه گرایش، اندیشه و آیین آنان است و «کشتی» که زرتشتیان به هنگام بلوغ به کمر می‌بندند، نمونه‌هایی از

چشمه روئین تنی شست و شو می‌نماید، بر پشت او می‌افتد و باعث آسیب‌پذیری وی می‌گردد. «تیس» مادر اشیل نیز در هنگامی که او را در رودخانه ستیکس (Styx) شست و شو می‌دهد، ناگاهانه قوزک پایش را با دو انگشت می‌گیرد و قوزک پای اشیل ناشسته می‌ماند و وجود او مرگ‌پذیر و فانی می‌گردد. اسفندیار نیز در حال آب تنی و شست و شو در چشمه‌ای اعجاب‌آور، چشم خود را فرو می‌بندد و دیدگان او از این روی از قوه روئین تنی بی‌بهره می‌شود. در برخی از روایت‌ها نیز روئین تنی اسفندیار ناشی از دعای یکی از صاحب‌کمالان و یا تعویذ زرتشت در حق وی است.

اگر قهرمانان حماسی‌ای چون اسفندیار، اشیل یا زیگفرید در اساطیر و داستان‌های حماسی کهن آرزوی آدمی را در دستیابی به بی‌مرگی پاسخ می‌گویند، این مضمون در قصه‌های عامیانه ایران و حتی در جلوه‌هایی از زندگی قومی و معنوی مردم تجلی می‌یابد. در افسانه‌های عامیانه و باورهای توده مضمون جاودانگی و روئین تنی را می‌توان در دو شکل پی گرفت و فرا جست: شال یا کمربند و دیگر گلوله پند یا جلیقه‌ای که مردی مقدس به قهرمان می‌بخشد. این صورت از مضمون اسطوره - حماسی «روئین تنی» هنگامی به

اندیشه به بی‌مرگی، سرآغاز روایت‌ها و داستان‌های گوناگونی در نزد انسان کهن می‌گردد و وی در جستجوی حیات جاودان، چهره‌هایی مسخ‌ناپذیر خلق می‌کند. یکی از صورت‌های جاودانگی در داستان‌های اساطیری و حماسی کهن قصه قهرمانان روئین تن است. قهرمانانی که به شکلی اعجاز آلود از آسیب و گزند تیر و تیغ در امان می‌مانند. این مضمون کهن سال اسطوره‌ای همان گونه که بیان گردید خود ریشه به نیاز و اعتقادی کهن می‌رساند که در رخساره‌های حیات پسین تر خویش به صورت‌هایی نو جلوه می‌فروشد. روئین تنی اشاره به کالبدی «روی» گون دارد که هیچ زخمی بر آن کارگر نمی‌افتد. این ویژگی را در داستان قهرمانانی چون زیگفرید قهرمان حماسه آلمانی، نیلونگن، اشیل قهرمان پراوازه اساطیر یونان که در جنگ «تروا» به دست پاریس کشته می‌شود و نیز در داستان قهرمان حماسی ایران «اسفندیار» باز می‌یابیم.

قصه‌های بنیادی که از روئین تنی این سه قهرمان سخن می‌گویند، این ویژگی کالبدی و جسمانی آنان را نتیجه شست و شو و غسل در چشمه‌ای شگفت‌آور یا مقدس می‌دانند. برگی از درخت در حالی که زیگفرید در



نقش کیشی و معنوی «کمربند مقدس» است، هر چند می توان نشانه‌هایی دیگر گونه و متفاوت از کمربند جادویی را در برخی از داستان‌های کهن باز یافت چون کمربند زرین «آفرودیت» که افسون‌های دنیا در آن نهفته است.

مضمون افسانه‌ای «رویین تنی» به افسانه‌ها محدود نمی‌ماند و در روزگاری نزدیک به ما نیز آنجا که اوج حماسه بر فصلی از تاریخ جانی ستهنده و ستیزنده می‌دهد، زایشی نوین و دوباره دارد. در این چشم‌انداز در صورت و جلوه‌های لمس‌پذیر مضمون جاودانگی و رویین تنی را در پوشاک مقدس باز می‌یابیم. در قرآزی از تاریخ مردمی و بومی شمال ایران و در نزد تالشیان خطه رضوان شهر پیران این گونه روایت می‌کنند که پیری درویش از آن خطه در زمان جنگ میان روسیه و ایران، پیش از آنکه جوانان دلاور به پیکار با بیگانگان تعدی‌گر بشتابند، شالی سبز را که به دعای وی متبرک شده بود بر کمر آنان می‌بست. شالی که گلوله دشمنان را بر جان دلاوران جوان بی‌اثر می‌نمود و این خود قوتی بیشتر به جوانان رزمنده می‌بخشید. این حکایت افسانه‌گون که ریشه به زندگی واقعی بخشی از مردم شمال ایران در سال‌های جنگ روسیه و ایران می‌رساند

به نیکی تداوم کارکرد اعتقادی کهن را نشان می‌دهد، اعتقادی که به طرز شگرف شبیه به مضامین افسانه‌های ایرانی است. اما مضمون رویین تنی به شال مقدس محدود نمی‌ماند. در نزد کردهای ایران نیز مضمون رویین تنی را به صورت جلیقه‌ای که درویش و مراد پیر بر تن جوانان مبارز و حق‌جو می‌پوشاند باز می‌نگریم. از «گلوله بند» در افسانه‌ها و حماسه‌های قومی کرد سخن می‌رود. این جلیقه که «گلوله بند» نام داشت جامه‌ای بود که درویش و مراد پیر آن را با دعا یا آیه‌ای از قرآن متبرک می‌نمود و جوانان دلاور این جلیقه را برای حفظ از تیر، تیغ و گلوله دشمن بر تن می‌نمودند این اعتقاد نمونه‌هایی مستند و عینی در تاریخ دارد و از آن میان می‌توان به جلیقه‌ای که کاک احمد شیخ سلیمانیه برای سلطان عبدالحمید عثمانی ارسال داشت اشاره نمود.

باززایی مضمون اسطوره - حماسی و افسانه‌ای «رویین تنی» در بخشی از زندگی اعتقادی اقوام ایرانی به ویژه در فصل‌هایی از تاریخ معاصر که با دلاوری و ایستادگی در برابر تعدی بیگانگان مقارن می‌شود، به صورتی نو جلوه می‌آفرود. پوشاک مقدس (شال و گلوله‌بند) جلوه‌ای نو از مضمون اساطیری و حماسی

است.

منابع:

- رئیس نیا، رحیم. کوراغلو در افسانه و تاریخ، انتشارات نیما، چ دوم، تبریز: بهار ۱۳۶۸.
- همیلتون، ادیت. سیری در اساطیر یونان و رم، ترجمه: عبدالحسین شریفیان، انتشارات اساطیر، چ اول، تهران: ۱۳۷۶.
- یا حقی، محمد جعفر. فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات پارسی، انتشارات سروش، چ اول، تهران: ۱۳۶۹.
- انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم. فردوسی نامه (مردم و شاهنامه)، انتشارات علمی، چ سوم.
- روحانی، بابا مردوخ. تاریخ مشاهیر کرد، چ ۱، به کوشش ماجد مردوخ روحانی، سروش، چ ۱، تهران: ۱۳۷۱.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه، شماره مسلسل ۱۲۸ شماره حرف «ر» (بخش اول): ه انتشارات دانشگاه تهران، فروردین ۱۳۳۶.
- شاملو، احمد. کتاب کوچه، حرف الف، دفتر سوم.